

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سیدهاشم سدید

۰۵.۱۱.۲۰۰۸

## وقتی دردها، رویاها و عواطف با قطرات اشک فرو میریزند!

تاریخ سیاهان امریکا، از زمانی که اولین گروه از سیاهان اسیر افریقائی، بعد از این که به وسیله سفیدان متمدن، بعضاً در زنجیر و با شرایط بسیار غیر انسانی، از افریقا به امریکا آورده شدند، روح دردمندی داشته است.

سیاهان در طول کم و بیش دو صد سال اقامت در امریکا، زندگی پر از نکبت و رنج داشته و عمرها در منتهای خفت و خواری و مرارت به سر برده و خون دل خورده اند. سالها به عنوان برده در مزارع و کشتزارها، در فارمها و اصطبلها، در اعماق زمینها و در درون معادن تاریک و سرد، در دل جنگلهای مرطوب و پهنههای وسیع دشتهای سوزان هارازونا و... با مشقت و ستم بی مانند به کار وادار شده اند. هزارها زن و دختر جوان و صدها دختر خردسال آنها با بیرحمی مورد تجاوز قرار گرفته و گاهی هم با کمال قساوت و سنگدلی به قتل رسیده اند و دهها، شاید هم صدها زن و مرد و کودک سیاه، تنها برای تفنن و فرونشاندن آتش سرکش نفرت کور و کراهت آمیخته با تعصب و حشیان انسان نما زنده، زنده سوزانده شده اند. هزاران زن و مرد و کودک سیاه از زمان پیدایش تا فرا رسیدن زمان مرگ در درون منازل بهشتیان، بدون این که به صفت انسان شناخته شوند و حق اعتراض یا بگو و مگو داشته باشند، با توهینهای سوزنده و تحقیرهای روح فرسا، با سختیها و تلخیهای جانکاه مجبوره خدمت و اطاعت از امر و نهی زورگویانه اربابان شده اند.

فروبلعیدن همه سرکوبها، همه تلخیها، همه دردها و همه ناملايمات زندگی تحقیرآمیز، چنان چشمه های از اشک و خون را در سینه های سوخته سیاهان، نسل اندر نسل، به وجود آورد، که اینک با وزیدن نسیم آرامی از خوشی بر قامت خمیده از دردهای آنها، آن چشمه های خشک ناشدنی بی اختیار از راه دیدگان خسته شان بروی گونه های گاه تیره، گاه زرد و گاه چمبلک، به عنوان زبان تاریخ مجروح سیاه فرو میریزند؛ و خیلی از دردها و وحشیگریها و نا گفته ها را باز میگویند.

اشک هائیکه نه تنها گویای دردها و وحشیگریهاست، که گویای به تحقق رسیدن رویاها و لذت بخش و دلپذیر آزاد زیستنها، برابر بودنها و حرمت گذاشتن آنها و... نیز هستند، رویاها و شیرین و لطیف میلیونها سیاه در طول تاریخ سیه شان، رویاها و انسانی و شریفانه هزارها مارتین لوتر کینگ و مالکم ایکس که آرزو داشتند تنها انسان پنداشته شوند؛ رویاهایی که اینک آرام، آرام آنها را در بیداری می بینند.

در پارک شهر شیکاگو، آنجا که بیشتر از دوصدهزار نفر جمع شده بودند - در نوشته قبلی بر اساس آماریک منبع خبری یک میلیون نفر ذکر شده بود - تا پیروزی کاندیدای شان را در انتخابات جشن بگیرند، بسیاری مردان و زنان اشتراک کننده در این جشن گاه از شادی زیاد، اشک میریختند. هر چهره و هر دیده و هر اشک، زبان خودش را داشت و گویای احساس و عاطفه و آرزوی صاحب آن چهره و دیده و اشک بود، که با همه شباهتها، داستان و حکایتی دیگری را بیان مینمودند. بسیاری از این اشکها و دیده ها و چهره ها گویای آرزو های همین مقطع زمان و گویای عواطف متلاطم شده انسان درون آن چهره برای تحقق یک آرمان در همین لحظه از زمان بودند؛ به استثنای اشک های "جکی جیکسن"، یکی از رهبران سیاه جنبش حقوق بشر امریکا، که همراه با خوشی پیروزی یک سیاه در انتخابات ریاست جمهوری، دردها و رویا های سیاهان و همه تاریخ پر تلاطم و دردانگیز سیاهان امریکا را نیز در خود نهفته داشت.

چقدر سیاهان در طول تاریخ امریکا درد کشیده اند و سرکوب و تحقیر و توهین شده اند، میتوان همه را در آئینه شفاف و بلورین، ولی در آگین چند قطره اشک، تنها چند قطره اشک، جکی جیکسن دید؛ منتها برای دیدن آن همه درد، باید دیده در آشنا داشت، و الا ...